سخنرانی: به سوی آینده با ثبات انرژی

زنگنه، بیژن

در حاشیه برگزاری یکصد و شانزدهمین اجلاس وزرای نفت و انرژی کشورهای‏ عضو اوپک در مهر ماه سال جاری،همایش دو روزه‏ای تحت عنوان«اوپک و توازن‏ جهانی انرژی»با حضور وزرای نفت 11 کشور عضو این سازمان و نیز 300 تن از صاحب‏نظران صنعت نفت و شرکت‏های عمدهء نفتی توسط دبیرخانهء اوپک و با هدف درک بهتر از موضوعات مربوط به انرژی بین تولیدکنندگان و مصرف‏کنندگان نفت برگزار گردید.

در این همایش که موضوع محوری آن«به سوی آینده با ثبات انرژی»بود، دورنمای جهانی انرژی در قرن 21،چالش‏های جدید گاز طبیعی،پیش‏بینی تولید آینده از اکتشاف‏های گذشته،قیمت‏گذاری و مالیات‏بندی انرژی،موضوعات‏ انرژی در مذاکرات تجاری،اوپک و توسعه پایدار مورد بحث قرار گرفت.

متن ذیل چکیده‏ای از سخنرانی آقای مهندس زنگنه،وزیر نفت ایران،در همایش مذکور است که از نظر خوانندگان محترم می‏گذرد.

بیش از چهل سال از ایجاد سازمان اوپک،به‏ عنوان یکی از مؤثرترین تشکل‏های کشورهای در حال توسعه می‏گذرد.سازمان اوپک علیرغم‏ تحولات عظیمی که در چهار دههء گذشته در عرصه‏های مختلف،سیاست و اقتصاد جهان، علوم و فنون به وقوع پیوسته،فراز و نشیب‏های‏ گوناگونی را تجربه کرده است و همچنان فعال و پویا به حیات و حرکت خود ادامه می‏دهد.

در طول این سال‏ها گاه اوپک،به دلیل تلاش‏ برای تأمین منافع حقهء اعضای خود،به اعمال‏ اختیارات انحصاری(کارتل)و زیاده‏خواهی در بازار نفت متهم شده است،و زمانی دیگر به دلیل‏ بروز مشکلاتی چند میان اعضا،و یا برای آنها نقش محوری خود را در تأثیرگذاری بر بازار جهانی نفت،از دست داده است.حاصل‏ تلاش‏های اوپک،سازماندهی بهتر و تصمیم‏گیری‏های مؤثر در برقراری ثبات بازار نفت و انرژی در دنیای امروز است.بدیهی است‏ که چنین دست‏آوردی برای کشورهای عضو کم هزینه نبوده است.

دورنمای آیندهء اقتصاد جهان حاکی از افزایش قابل توجه تقاضای انرژی و نقش مسلط نفت و گاز در مجموعهء آن است.برآوردهای به‏ عمل آمده نشان می‏دهد که تقاضای نفت طی دو دههء آینده بیش از دو برابر 20 سال گذشته افزایش‏ پیدا خواهد کرد و گاز طبیعی به عنوان سوخت‏ منتخب قرن از بیشترین رشد نسبت به حامل‏های‏ دیگر انرژی برخوردار خواهد شد.

تحولات آتی بازار انرژی،علاوه بر افزایش‏ قابل توجه میزان تقاضا،دگرگونی اساسی در جغرافیای اقتصاد انرژی را به دنبال خواهد داشت.برآوردهای موجود نشان می‏دهد که طی‏ بیست سال آینده بخش قابل توجهی از افزایش‏ تقاضای جهانی را باید کشورهای عضو اوپک‏ تأمین نماید.عدم تحقق سرمایه‏گذاری‏های مورد نیاز،اقتصاد جهانی را با کمبود انرژی و در نتیجه‏ بازار نفت را با بحران مواجه خواهد کرد.

هم اکنون بخش انرژی در جهان و خصوصا در کشورهای در حال توسعه در چارچوب‏ رسیدن به اهداف توسعهء پایدار با موانع و مشکلات بسیاری مواجه است.فناوری‏های‏ فرسوده و غیربهینه در بهره‏برداری از منابع‏ ارزشمند نفت و گاز،محدودیت نرخ بازیافت از منابع،مسایل خاص بازار نفت و بورس بازی‏های‏ حاکم بر آن،سطح قیمت‏ها و محدودیت‏های‏ مالی و سرمایه‏ای از مهمترین موانع ساختاری و نهادی موجود در بخش انرژی جهانی است. همچنین مسایل مربوط به حفظ محیطزیست، مالیات بر انرژی،و شفاف نبودن اطلاعات از موانع دیگر بخش انرژی به شمار می‏آید.

همکاری بین‏المللی در زمینه‏های اشاره شده‏ می‏تواند به عنوان عرصه‏های عمده‏ای از تبادل‏ نظر،به هدف حصول تفاهم بین منافع متقابل‏ شرکت‏های بین‏المللی نفت( IOCs )و کشورهای‏ تولیدکننده و مصرف‏کننده در دستور کار قرار گیرد.

توسعهء ظرفیت‏های حمل‏ونقل،ایجاد زیربناهای اقتصادی ترانزیت نفت و گاز،طراحی‏ و تغییر پالایشگاه‏های سنتی به پالایشگاه‏های‏ مدرن برای تولید تمیزترین فرآورده‏های نفتی‏ تبدیل گاز به مایع LNG و یا توسعهء مصرف‏ GTL و DME و فراهم آوردن امکانات و بستر تحقق این اهداف نیز می‏تواند به رفع برخی از تنگناهای موجود و ایجاد راهکارهای سازگار با محیطزیست منجر شود.

کشورهای عضو اوپک همواره به دلیل تعهد به منافع مشترک ملل خویش و از سوی دیگر به‏ دلیل وقوف بر ارتباط متقابل منافع اقتصادی‏ تولیدکنندگان و مصرف‏کنندگان خواهان دستیابی‏ به ثبات بازار بوده و هستند،به نحوی که این‏ ثبات دربرگیرنده منافع جمعی ت‏ولیدکنندگان و مصرف‏کنندگان و مهمتر از آن متضمن دسترسی‏ نسل‏های آتی به این هدیه ارزشمند طبیعت و فرآورده‏های متنوع و بعضا نامکشوف آن باشد.

در عین حال جمهوری اسلامی ایران به‏ موازات تلاش‏هایی که در جهت تأمین امنیت‏ عرضه نفت جهان صورت می‏گیرد،نمی‏تواند نگرانی خویش را از مسابقه ظرفیت‏سازی که در چند سال گذشته بین کشورهای تولیدکننده آغاز گشته است پنهان نماید.ادامه این روند می‏تواند تولیدکنندگان را در سال‏های آتی دچار بحرانی‏ نظیر دهه هشتاد سازد.ضمن اینکه از تخصیص‏ بهینه منابع مالی این کشورها در سایر بخش‏های‏ اقتصادی ممانعت به عمل می‏آورد.

جمهوری اسلامی ایران و کشورهای‏ تولیدکننده نفت به درستی به امکانات فناوری‏ منابع گسترده مالی و قدرت مدیریت شرکت‏های‏ بین‏المللی نفت (IOCs) در توسعه و بهره‏برداری‏ بهینه از ذخایر انرژی آگاهی دارند و بسترهای‏ لازم را نیز در کشورهای خود برای جذب‏ همکاری‏های آنها به وجود آورده‏اند.هدف این‏ همکاری‏ها مدرن‏سازی صنایع نفت،بهینه‏سازی‏ سرمایه‏گذاری‏ها و ظرفیت‏سازی مطمئن برای‏ تولید نفت است.

شرکت‏های بین‏المللی نفت نیز لازم است با تغییر در نگرش و سیاست‏های خود و توجه به‏ مسایل اجتماعی و فرهنگی کشورهای میزبان،پا به عرصه دوره جدید همکاری‏ها گذارند.شرط رابطه پایدار و بلندمدت بین تولیدکنندگان و شرکت‏های بین‏المللی نفت ایجاد ظرفیت‏های‏ بومی در قالب شرکت‏ها و مؤسسات،به هدف‏ توسعه نیروی انسانی و انتقال فن‏آوری و دانش‏ فنی است.

در بحث رابطه بین کشورهای تولیدکننده و مصرف‏کننده ضروری به نظر می‏رسد این‏ کشورها در پی توازن جدیدی باشند که در آن‏ اطلاعات،به طور آزاد،شفاف و عادلانه در جهان‏ توزیع و تبادل شود و راه حل‏های مبتنی بر تأمین‏ منافع مشترک و تحقق توسعه پایدار جستجو و عملی گردد و هزینه ایجاد امنیت و ثبات در بازار انرژی نیز به طور مشترک تأمین شود.

خوشبختانه به یمن احیای اراده سیاسی در کشورهای تولیدکننده اوپک و تحولات عظیمی‏ که در صحنه سیاست و اقتصاد جهان رخ داده‏ است،فرصت تداوم و تقویت گفتگوهای سازنده‏ بین تولیدکنندگان و مصرف‏کنندگان فراهم آمده و به سوی نوعی واقع‏گرایی و خردگرایی متقابل‏ در جهت تأمین امنیت و ثبات بازار سیر می‏کند.

تاکنون مصرف‏کنندگان و تولیدکنندگان هر یک به طریقی سعی نموده‏اند با مدیریت بازار،به‏ تثبیت روند تولید و مصرف نفت کمک کنند. مصرف‏کنندگان با اعمال سیاست‏های تبعیض‏آمیز در رابطه با حامل‏های مختلف انرژی و یا حمایت‏گرایانه در رابطه با حامل‏های انرژی‏ آلاینده محیطزیست و تحمیل مالیاتها و ذخیره‏سازی نفت کوشش کرده‏اند تا حدودی به‏ تثبیت بازار بپردازند و بدین طریق مدیریت خود را اعمال نمایند.اوپک نیز به عنوان سازمانی که‏ اعضای آن دارای 76 درصد از ذخایر اثبات شده‏ نفت جهان می‏باشند،سعی نموده است از طریق‏ مدیریت عرضه،به تثبیت بازار کمک نماید. بی‏تردید همکاری کشورهای تولیدکننده نفت‏ غیراوپک لازمه دستیابی به هدف تأمین ثبات‏ بازار می‏باشد و اوپک نمی‏تواند به تنهایی بار چنین مسئولیتی را برای همیشه بر دوش داشته‏ باشد اما در این میان عوامل دیگری نیز وجود دارند که بازار نفت نتواند از تعادل لازم برخوردار بماند.اخذ مالیات‏های سنگین بر فرآورده‏های‏ نفتی در کشورهای مصرف‏کننده،ارتباط منطقی‏ بین عرضه و تقاضا را از بین می‏برد و موجب‏ می‏شود که قیمت‏ها نتوانند علائم درستی را در رابطه با سرمایه‏گذاری‏ها منعکس نمایند.به‏ علاوه نحوه و اصول قیمت‏گذاری نفت خام در حال حاضر خارج از دسترس تولیدکنندگان‏ است،به طوری که قیمت‏های نفت خام همواره‏ تحت تأثیر عملیات بورس بازی قرار دارد.

تحمیل تحریم‏های یک جانبه و غیرقابل‏ توجیه علیه برخی از تولیدکنندگان نفت و تصویب قوانین فرامرزی از سوی برخی کشورها نیز فشار مضاعفی بر بازار نامتعادل انرژی است‏ که موجبات تأخیر در ظرفیت‏سازی‏های ضروری‏ در پاسخ به تقاضای جهانی را فراهم آورده‏ است.

جمهوری اسلامی ایران به لحاظ داشتن 10 درصد از ذخایر اثبات شده نفت خام و نیز دارا بودن 18 درصد از ذخایر گاز جهان،درصدد است‏ ترکیب و موازنه صادرات حامل‏های انرژی خود را متناسب با نیازهای جهانی و مصالح ملی‏ تنظیم کند.سیاست‏های تنش‏زدائی دولت ما، موجب بهبود روابط ایران با همسایگان خود در منطقه و نیز بسط همکاری‏های ما در سطح‏ بین‏المللی شده است.در راستای انجام‏ اصلاحات اقتصادی نیز ایران خط مشی‏هایی را در جهت افزایش تولید نفت و گاز خود،از طریق‏ تشویق شرکت‏های بین‏المللی نفت به حضور و همکاری گسترده در بخش‏های نفت و گاز،اتخاذ کرده است و به منظور افزایش نرخ بازیافت از حوزه‏های نفتی موجود از طریق به کارگیری‏ فن‏آوری‏های روز و همچنین توسعه و بهره‏برداری از حوزه‏های نفت و گاز کشف شده‏ فرصت‏های فراوانی را برای همکاری با شرکت‏های نفتی بین‏المللی فراهم آورده است. در حال حاضر طرح‏های گسترده‏ای در داخل‏ کشور به منظور جایگزین کردن هر چه بیشتر مصرف گاز طبیعی به جای نفت و کاهش‏ آلودگی‏های زیست‏محیطی در جریان است.در برنامه مصرف گاز،تأمین خوراک طرح‏های‏ پتروشیمی علاوه بر تأمین نیاز نیروگاه‏های‏ موجود و در حال ساخت و همچنین تزریق گاز به میادین نفتی منظور شده است.به علاوه ایران‏ توسعه پروژه‏های LNG , GTL و CNG و همچنین سرمایه‏گذاری وسیعی را در بخش‏های‏ مختلف پتروشیمی در دستور کار خود دارد.

در عین حال ایران کماکان در چارچوب‏ همکاری با اعضای اوپک،سیاست منطقی و اقتصادی برای نفت را پیگیری کرده و خواهد کرد.

در خاتمه مایلم یادآور شوم در شرایطی که‏ دنیای امروز به سمت ایجاد یک نظام اقتصادی‏ یک پارچه و به هم وابسته در گذر از ناهنجاری‏های اقتصادی و اجتماعی جامعه‏ بشری پیش می‏رود،کشورهای عضو اوپک نیز تأمین منافع اقتصادی و سیاسی خود را بر مبنای‏ همگرایی نفتی قرار داده‏اند و با استفاده از مشاوره و رایزنی‏های مداوم در پی جلب‏ همکاری و همیاری کشورهای مصرف‏کننده و نیز شرکت‏های بزرگ بین‏المللی نفت (IOCs) می‏باشند.بی‏شک در عصر جهانی شدن امور، تجارت آزاد و افزایش رقابت،صنعت جهانی‏ نفت بیش از هر زمان دیگر محتاج به تشریک‏ مساعی میان دست‏اندرکاران خود اعم از تولیدکننده و مصرف‏کننده است.رسیدن به‏ حالت بهینه،قطعا نیاز به تعامل میان تمامی‏ طرفین دارد.